اظهارات رسمی درباره ایران

و مخصوصا ایالات فارس همیشه اسباب چینیها نموده‏اند که دست نشاندگان‏ خود را از حکومت برسانند و حتی بمقصد آنکه ایالات مزبور را تا حدّ مقدور از حکومت مرکزی مستقلّ نگاه دارند و درصدد بر آمدند که حقّ الحکومه‏ و مخارج حکومتی آن ایالت بعنوان مخصوص در بانک انگلیس(شاهنشاهی‏ ایران)گذاشته شود و در تحت امر و نظارت مستشار بلژیکی مالیّه(مرنارد) باشد که در حقیقت دست نشاندق انگلیسها بود.انگلیسها معادن نفت‏ بختیاری را که یکی از پرپشت‏ترین معادن نفت دنیا است‏1در مقابل‏ مبلغ ناقابلی(000‘20 لیرهء انگلیسی نقد و 000‘20 اسهام)بدست آوردند و در تادیهء مبلغ قلیلی هم که سالیانه باید از بابت صدی 16 منافع خالص‏ بایران بپردازند هزار گربه میرقصانند چنانکه بعنوان جبران خسارتی که‏ در اواسط ربیع الثّانی 1333 بمناسبت زدوخورد انگلیسها و عثمانیان‏ بشرکت نفت رسیده از دولت ایران ادّعای 000‘614 لیرهء انگلیسی‏ مینمایند.انگلیسها همینکه جنگ شروع شد در اوایل سال 1333 با وجود بیطرفی ایران چند نفر تبعهء آلمان را دستگیر نموده و در 26 رمضان‏ 1333 هم در بوشهر قشون پیاده نموده شهر را تصرّف کردند و بیرق‏ خود را بجای بیرق شیر و خورشید بر فراز دار الحکومه برافراشتند و بپاکتهای پستی منگنهء انگلیسی زدند.انگلیسها در 11 محرم 1333 فاتحهء استقلال ایران را خوانده و با تسار روس بقیّة السّیف ایران را نیز که‏ عهدنامهء 1325 ظاهرا خارج از دایرهء نفوذ آنان گذشته بود بین خود قسمت نمودند و در 4 شوّال همان سال یاد داشت معروف راجع بامور قشونی و مالی را2بدولت ایران فرستادند که سرچشمهء بدبختیهای امروزهء ایران عموما و ایالات جنوبی خصوصا گردیده است.

انگلیسها جواب شخصی رئیس الوزارای وقت ولیخان سپهسالار اعظم را با آنکه بهتر از همه کس میدانند که در غیاب مجلس ملّی و بی‏خبر از اعلیحضرت شاه و حتی خود اعضای هیئت وزرا بوده و با وجود تکذیبهای رسمی دولت ایران در روزنامهای داخله و خارجه‏3سند قرار داده و مشغول تشکیل قشون در ایالات جنوب گردیده‏اند.

مسئله تشکیل این قشونی که حالا بپلیس جنوب مشهور گردیده است‏ یکی از بزرگترین خدشه‏هائی است که انگلیسها باستقلال ایران وارد آورده‏اند.صاحبمنصبی که از طرف دولت انگلیس مأمور این کار است‏ سرتیپ پرسی سایکس‏4است که در قشون هند سمت صاحبمنصبی داشته‏ و در ممالک شرق و مخصوصا ایران سیاحت و سیر بسیار نموده است. مشار الیه مدّتها نیز در ایران قونسول بوده و نظر باطّلاعات و معلومات‏ زیادی که دربارهء ایران دارد گمان نمیرود که برای اجرای مقاصد انگلیس‏ بهتر از او کسی را میتوانستند اختیار نمایند.مقصود انگلیسها از تشکیل‏ چنین قشونی این است که سیاست خدعه و نیرنگ خود را در آن صفحات‏ (1)رجوع شود بکتاب«گنج شایگان»صفحهء 70 و 71 و 107 و 108 و 109.

(2)رجوع شود بشمارهء 20 کاوه.

(3)رجوع شود بشمارهء 16 کاوه.

(4) Percy Sykes

با یک قوّهء منظمی توأم نمایند که مثل قزّاقخانهء ایرانی مشهور افراد آن‏ ایرانی باشند ولی با لیرهء انگلیسی و صاحبمنصبان انگلیسی تربیت شوند و در جنوب ایران حکم همان قزّاقخانه را در صفحات شمالی ایران پیدا نماید بلکه صد درجه بدتر چونکه قزّاقخانه هرچه بود و باشد در تحت نظر دولت ایران بود و پولش را دولت ایران میداد در صورتیکه پلیس‏ جنوب بکلّی حکم دستهء قشون اجنبی را دارد که در خاک مملکت دیگری‏ ساخلو داده شده باشد و مأمور سرکوبی یک دسته مردمان بی‏گناه و بی‏ پناهی باشد.

رفتار انگلیسها در این اواخر در جنوب رفتار قزاقهای روس را در شمال.در سال 1330 بیاد میآورد و مانند روسها انگلیسها هم دهات و قصبات چند را تنها محض گرفتن زهرهء چشم اهالی فلک‏زده‏ بتوپ می‏بندند چنانکه در اواخر سال گذشته ده‏نو نیریزک را و دهج‏ یزد(نزدیک قصبهء انار)و فتح‏آباد کرمان(وسط راه کرمان و بندر عبّاس)و ده چاه فارس(در شمال قصبهء تبریز)را بتوپ بستند و شرح‏ این واقعات در ستونهای روزنامهءهای ایران انسان را متحیّر مینماید. انگلیسها در مملکت بیطرف ایران ادارهء تفتیش مکاتیب برپا نموده‏اند،در سرحدّ سیستان استحکامات ساخته و میسازند،از بندر عبّاس بکرمان‏ تلگراف میکشند،بزور لیره گندم و حبوبات را با وجود قحط و غلائی که‏ در سرتاسر ایران حکمرواست انبار نموده و در این راه اقتدا بسیاست‏ دیرینهء خود در هند نموده و برای سیر داشتن شکم سربازان خود هلاکت‏ رعیّت بیچارهء را فراهم میآورند که با عرق پیشانی خود آن گندم را آبیاری‏ نموده است.انگلیسها بقول یکی از روزنامهای ایران«با پنجهء که باسم پلیس‏ جنوب مسلّح است رک حیات فارس را گرفته و میخواهند ایران را خفه‏ نمایند.»

اظهارات رسمی دربارهء ایران

مسئلهء ایران پس از متارکه نامهء برست لیتوسک(غرّهء ربیع الاوّل‏ 1336)و مادّهء دهم آن‏که راجع بایران است عطف توّجه بسیاری از جراید اروپا و سیّاسیون را نموده است و علاوه بر مقالات زیاد در روزنامها اظهارات رسمی چندی نیز از جانب چندین وزیر ممالک مختلف‏ در این اواخر دربارهء ایران شده است که عموما اوّلین درجهء اهمیّت را داراست و اگر تغییرات و تبدیلاتی در اوضاع کنونی سیاسی و ملکی‏ ممالک مذکور روی ندهد میتوانیم اظهارات رسمی مذکور را اساس‏ استقلال حقیقی ایران بدانیم مخصوصا که اظهارات مذکور تنها از طرف‏ یک دسته از ممالک جنگاور نبوده است بلکه از جانب هر دو طرف بوده‏ و نکتهء مهم‏تر آنکه همان دو دولتی هم تا بحال اسباب تمام بدبختیهای‏ ایران بوده‏اند در این اظهارات مشتقیما دخیل هستند و مخصوصا دولت‏ موقتّی روسیّه که در راستی نیّات وی نسبت بایران جای شکّ و شبههء ظاهرا نمانده است.و همچنین اظهارات اولیای امور دولت آلمان و عثمانی نیز دربارهء ایران بکلی پوست کنده و صاف و از روی حرارت‏ و عین راستی است و معلوم است که این دو دولت معظّم حقیقة از صمیم‏ دل خواهان استقلال و پیشرفت ایران و ملّت ایران هستند در صورتیکه‏ بدبختانه اظهاراتی که از طرف اولیای دولت انگلیس در باب ایران شده‏ باز از پیچیدگیهای سیاسی خالی نیست و آن روشنی و عزم صمیمی‏ و صادقی را که منظور است دارا نمیباشد و مخصوصابمناسبت شرایط و قیودی‏ که هر کلمهء آنرا همراه است چنین مفهوم میشود که قصد دولت انگلیس‏ در این موقع آن است که نه بکلّی خاموش بماند که مشتش باز و کذب‏ ادّعای سابقش روشن گردد و نه اظهاری بدارد که پایهء اقتدارش را در ایران سست نماید و بعدها عم برای وی مشکل گردد که از عهدهء اجرای‏ آن برآید لهذا اظهارات خود را دربارهء استقلال و آزادی ایران با شرایط و قیودی توأم نموده که حقیقت آن اظهارات را بکلّی بی‏وزن نموده‏ و در حقیقت آنچه را با یک دست داده از دست دیگر پس گرفته است.

حالا بپردازیم به نقل و ترجمهء اظهارات مذکور:اوّلا در اواخر صفر این سال(1336)حکومت موقّتی روسیّه بیان‏نامهء خطاب بملّتهای‏ مسلمان منتشر نمود که متضمّن اظهارات مهمّهء بسیار است و ما تنها بترجمهء قطعهء از آن‏که راجع بایران هم هست اکتفا مینمائیم.خطاب نامه مذکور میگوید:«ای مسلمانان شرق!ای ایرانیان،ای ترکها،ای عربها، ای هندیان!فرنگیهای جانور که تاکنون زندگانی شما را پامال و اموال‏ شما را غارت میکردند حالا میخواهند با جنگ و جدال شماها را در میان‏ خود قسمت نمایند.عهدنامهای سرّی که در دورهء تسار راجع بعثمانی‏ و تنگه‏ها بسته و از طرف کرنکی تأیید شده بود از امروز ببعد باطل‏ و ساقط بودن آنها را ما اعلان مینمائیم.....و همچنین باطل بودن‏ تمام معاهده‏هائی را که در خصوص ایران میان دولت سابق روس و دولت‏ انگلیس بسته شده است اعلان میکنیم و همینکه حرکات جنگی خاتمه یافت‏ قشون روس را از ایران بیرون کشیده و آزادی و استقلال ایران را از هر حیث رعایت خواهیم نمود.»

بیان‏نامهء مذکور در موقعی نوشته شده بود که هنوز مذاکرات متارکهء برست لیتوسک بمیان ینامده بود و باین ملاحظه تخلیهء ایران را موکول‏ بپایان حرکات جنگی حواله نموده بود ولی پس از بسته شدن متارکه‏نامه‏ در برست لیتوسک که دولت عثمانی نیز حاضر شد بنا بمادّهء دهم متارکه‏نامهء مزبور خاک ایران را از قشون خویش تخلیه نماید اولیای امور کنونی‏ روسیّه فی الفور درصدد اجرای مادّهء مذکور و تخلیهء ایران برآمدند و در 16 ربیع الاوّل یادداشتی بسفارت ایران در پترسبورگ فرستادند و اخطار نمودند که بنا بمادّهء دوازدهم(؟)متارکه‏نامه حاضر هستند که با دولت ایران داخل مذاکرات بشوند و جزئیاّت امر تخلیه را تصفیه و سایر اموری را که برای انجام اساس آزادی و استقلال و مصونیّت‏ خاک ایران ضروری است مقرّر دارند.

چند روز بعد در 22 ربیع الاوّل ترتسکی پس از دریافت داشتن‏ یادداشت کفیل سفارت ایران در پترسبورگ در خصوص حاضر بودن‏ دولت لیران بدخول در مذاکرات مذکوره در فوق و مأمور شدن کفیل‏ سفارت برای این مسئله امری کتبی بمأمور خود پلیوانف‏1داد که‏ مطالب عمدهء آن از این قرار است:اوّلا لزوم مقرّر داشتن ترتیب عمومی‏ تخلیهء ایران از قشون روس،ثانیا برگرداندن فوری دسته‏های قشونی‏ که یا پریشان شده‏اند و دیگر از حیث نظامی دارای اهمیتّی نیستند و یا آنکه واسطهء تصرّف اراضی ایران گردیده‏اند،ثانیا مراجعت دادن هیئت‏ نظامی که بعنوان تعلیم قزّاقخانهء ایرانی در ایران میباشند...

علاوه بر اینها امر مذکور متضمّن لزوم اقدامات چندی نیز هم هست‏ راجع بمانع شدن نظامیان روس از آزار رساندن بایرانیان و مخصوصا از اجحاف و اذیّت کسبه.

امر مذکور بدین جمله پایان مییابد:«این مسئله باید با کمال عجله‏ انجام یابد برای آنکه هرچه زودتر مصائبی که دورهء تساوی و حکومتهای‏ اعیانی روس بر سر ایران آورده‏اند جبران شود.»

دیگر از اظهارات رسمی مهمّی که در این اواخر دربارهء ایران‏ شدهء اظهارات ترتسکی و فن‏کولمان‏2وزیر امور خارجهء آلمان است‏ در تاریخ 29 ربیع الاوّل سال حاضر در برست لیتوسک و تفصیل آن‏ از این قرار است:ترتسکی در بین مذاکره دربارهء تخلیهء اراضی متصرّفه‏ اظهار داشت که:

«روسیّه خود را موظّف میداند که هرچه زودتر قشون‏ خود را از خاک بیطرف بیرون بکشد.این قصد را جهتی نیست جز آرزوی جبران ظلم فاحشی که از طرف دولتهای‏ سابق روسیّه بر سر این مملکت بیطرف آمده است».پس از ترتکسی فن‏کولمان اظهار داشت که:

«من شما را از این اظهارات تهنیت میگویم مخصوصا که دول‏ مرکزی نسبت بمملکت کهن سر تا پا تمدّن ایران پرجوش‏ترین‏ محبتّها را دارند و از صمیم دل خواستارند که این مملک در آینده بتواند بطور آزادی بحفظ و ترقّی تمدّن ملّی خود بپردازد.»

معلوم است که این‏گونه اظهارات از جانب نمایندگان سیاسی دول‏ معظّم تا چه اندازه دارای اهمیّت است و بخواندن و شنیدن آن گلهای‏ امید و بهی در گلزار روان و جان هر ایرانی و ایران دوستی شگفته‏ میگردد.

بترتیب تاریخ پس از اظهارات فوق اظهارات رسمی دیگری که در بارهء ایران شده و داای اهمیّت میباشد اظهاراتی است که در نهم ربیع‏ الثّانی همین سال(1336)در مجلس اعیان انگلیس آمده و شرح آن‏ از این قرار است:در جلسهء تاریخ فوق لرد لامینگتن‏1در بابت‏ «پلیس جنوب»2و وضع کنونی عهدنامهء روس و انگلیس 1325 در خواست اطّلاعات کرد.لردکرزن‏3پس از بیان تاریخ مختصری‏ در باب«پلیس جنوب»چنین سخن راند:«ما مایلیم که ایران در موقع جنگ بیطرف و بکلّی مستقلّ بماند.پس از جنگ بآسانی میتوان‏ برای این مسئله(پلیس جنوب»حلّی بدست آورد که دارای شرایط سه‏گانهء ذیل باشد:اوّلا موجب رضامندی حسیّات ملّی ایرانیان‏ باشد،ثانیا ترتیب امنیّت راهها را فراهم آورد،ثالثا منافع حقّهء تجارت را حمات نماید.بدون وجود چنین قوّهء اقتدار دولت ایران‏ مورد خطر میگردد(!).یگانه قصد دولت انگلیس آن است که این«پلیس‏ جنوب»را یک قسمت کاری وسایل نظامی مملکت نماید.دولت انگلیس‏ پس از مذاکره با سفیر خود در طهران این مسئله را با جدیّت و حسن‏ نیّت زیاد ملحوظ داشته باشد.»

در خصوص مسئلهء عهدنامهء روس و انگلیس 1325 کرزن جواب‏ داد:«مقصود این عهدنامه رخنه نمودن باستقلال و مصونیّت خاکی‏ ایران نبوده(!)بلکه دادن پایانی بهمچشمی دو دولت مجاور دربارهء ایران بود.این عهدنامه خوب یا بد منظور عمدهء را که باید بعمل‏ آورد بعمل آورد.با اینهمه خیلی‏ها در هر موقع بدولت ایران حالی‏ کرده‏اند که این عهدنامهء که در واقع یک اقدام خالی از غرض و مرضی است(!)برضد مصونیّت خاکی و استقلال سیاسی مملکت ایران، و از روی نیّات غیر صالحه است.این ادّعا بی‏معنی است و من آنرا در این مورد با تمام قوای خود ردّ مینمایم.وانگهی اکنون تغییرات بزرگی‏ که بملاحظهء اتفّاقات اخیر روسیّه در اوضاع روی داده موقع مساعدی‏ بدست دولت انگلیس میدهد که راستی و درستی خود را در این زمینه بنماید. تاکنون چون دولت پابرجائی در روسیّه نبود ممکن نشده بود در این‏ باب اقدامی نمود ولی ما بدولت ایران اطّلاع دادیم که از این ببعد عهدنامه را(1325)موقّتا منسوخ میشماریم و همینکه شرایط مذکور در فوق بعمل آمد حاضریم کلیهء ایران را در تحت مداقّه بیآوریم.»

عقیدهء ما در خصوص اظهارات کرزن همانا در مقالهء«انگلیسها و جنوب‏ ایران»همین شمارهء کاوه بیان شده است و در اینجا دیگر عجالة تکرار نمینمائیم ولی هرکس اظهارات رسمی و کتبی ذیل را که باز از طرف ترتسکی‏ در 16 ربیع الثّانی این سال(1336)بسفارت ایران در پترسبورگ‏ فرستاده شده بخواند و تفاوت لهجهء آنرا با اظهارات دم بریده و ساده‏ فریب کرزن مقایسه نماید بخوبی در مییابد که دولت انگلیس نه تنها مصمّم‏ است دست از سیاست دیرینهء خود در ایان بر ندارد بلکه درصدد است‏ از خالی ماندن میدان ایران از حریف روسی استفاده نموده و آنچه را هم‏ سابق نمیتوانست بکند حالا بنماید.اینک یادداشت ترتسکی:«هیئت‏ مأمورین ملّت بنا بمقّررات دهم محرم 1336«هیئت مشاورهء کلّ روسیّه» (1) Lord Lamington

(2)رجوع شود بمقالهء«انگلیسها و جنوب‏ ایران»همین شمارهء کاوه.

(3) Lord Curzon

کاملا مطابق با اصول سیاست بین المللی اظهار نیدارد که عهدنامهء 1325 روس و انگلیس که بر ضدّ آزادی و استقلال ملّت ایران بود بطور همیشگی منسوخ است.و همچنین تمام قراردادها که پیش یا پس از عهدنامهء مذکور در فوق بسته شده و یا بزور گرفته شده‏ و هریک از راهی در آزادی و استقلال ملّت ایران رخنهء وارد آورده باطل و معدوم و بی‏اثر خواهد بود...!»

این یادداشت در خصوص بد رفتاریهای نظامیان در ایران هم‏ سخن رانده و اطمینان میدهد که«هر تبعهء روسی که ایرانیان از دست بی‏ قانونی و درشتی رفتار او شکایت نمایند با تمام شدّت قوانین انقلاب تنبیه‏ خواهد شد».علاوه بر اینها ترتسکی اظهار میدارد که«هیئت مأمورین‏ ملّت در زمینهء روابط بین المللی نیز منتهای کوشش را بعمل خواهد آورد که خاک ایران را قشون عثمانی و انگلیسی نیز تخلیه نمایند».

این بود بطور اختصار اظهارات رسمی که در این اواخر دربارهء ایران شده است و اگر ظلمت نامطبوع اظهارات انگلیسی سایه‏انداز گلستان منورّ اظهارات دیگر نبود هر ایرانی میتوانست از این ببعد پای‏ شادمانی کوبیده و وطن خود را آزاد بشمارد.

روزنامجات خارجه هم در این اواخر باحسیّات خوبی نسبت بایران مسئلهء ایران را شرح داده و اظهار رضایت‏مندی از قرارداد فوق میکنند. بعضی از روزنامجات مهمّ هم با اشخاص سیاسی نامی در این خصوص‏ ملاقات نموده و عقاید آنها را مینگارند.روزنامهء منتشر در مونیک«مونشنر تسایتونگ»در نمرهء 6 ژانویه 1918 مطابق 23 ربیع الاوّل 1336 خود تفصیل ملاقات خود را با یکی از سیاسیون نامی مینویسد عقیدهء آن‏ شخص دربارهء ایران چنین بوده است:

«ایران که تا حال بواسطهء روس و انگلیس بلاهای سخت دیده و مصیبتهای زیاد کشیده امروز بطرف یک زندگی سیاسی تازهء میرود. طبیعی است که فقط عقب کشیدن قشون روس از ایران آزادی ایران را ضمانت نمیکند.هنوز انگلیسها در جنوب ایران هستند و این قسمت‏ ایران را برای ارتباط مستقیم ما بین مصر و هند در دست نگاه داشته‏اند. انگلیس که عراق عرب و بیت المقدّس را تصرّف کرده و خیال پس‏ دادن آنها را هم ندارد جنوب ایران را هم پس نخواهد داد.سیاست‏ انگلیس در ایران یک جزو خیلی مهمّی از سیاست جهانگیری این مملکت‏ است.انگلیس که در عرض مدّت این جنگ کرارا اظهار کرده است‏ که برای آزادی و حقوق ملل کوچک میجنگد دربارهء ایران باید ثابت‏ نماید که حرفهای وی از روی حقیقت بوده یا نه.عثمانی و آلمان و همچنین‏ روسیّه هم در اقدامات ایران در راه خلاص نمودن خود از چنگ انگلیس‏ از ایران طرفداری خواهند کرد....آلمان در ایران همیشه منافع‏ اقتصادی داشته است.اساس«درباز»و تجارت آزاد باید در ایران از سرنو برقرار شود».

در خصوص اوضاع اقتصادی ایران رئیس«درسدنر بانک» هوبرت گوتمان بمخبر روزنامهء فوق اظهار کرده است که«ایران بدون‏ تردید از حیث اقتصاد یک آیندهء درخشانی در پیش دارد فقط باید ایرانیها نگذارند که بانک شاهنشاهی از عقب کشیدن قشون روس استفاده کرده‏ و ایران را بیش از پیش در تحت فشار اقتصادی خود آورد».

روزنامهء«تگلیش روندشاو»یک مقالهء در تحت عنوان«ایران تازه» نشر کرده و خیلی اظهار خوشنودی از پیش آمدهای اخیره مینماید نویسندهء آن مقاله که نامش معلوم نیست مینویسد:ساعت مقدّرات ایران زنگ‏ آخری خود را زد.امید است که ایران قدر این ساعت را دانسته و رؤسائی پیدا کند که بتوانند از اوضاع امروزه استفاده نماید».

بعد از آنکه نویسنده شرحی از اشکالاتی مینگارد که ایران در راه ترقی‏ و در راه اداره کردن خود خواهد داشت میگوید:«خیلی بی‏انصافی است‏ اگر دربارهء آیندهء این مملکت تردید کنیم.با وجود فرق مختلفه در مملکت‏ و با وجود قبایل زیاد خود یر خیال ملّیت که از زمانهای شوکت و عظمت‏ ایران باقی مانده است و یگانگی حقیقی ملّت بیشتر و زیادتر از آن است که‏ تصوّر میرفت و همچنین یقین است که ملّت ایران استعداد فوق العاده‏ دارد چنانچه ادبیّات قدیم خیلی عالی آن‏که هنوز در میان ملّت زنده‏ اسن بطور وضوح نشان میدهد.»در پایان مقاله نویسنده میگوید:«ما بایران تازه که تاریخ تولّد آن روز 15 دسامبر 1917(مطابق با اوّل‏ ربیع الاوّل 1336 است)احساسات قلبی خودمان تقدیم میکنیم و خوشبختی او را طالبیم».

بعلاوه از روزنامجات چنین استنباط میشود که تخلیهء ایران عملا شروع‏ شده است بطوریکه روزنامه ئانمارکی«آفتن بلادت»بتاریخ 5 ربیع الثّانی‏ 1336 از تفلیس خبر میدهد:قونسول ایران در تفلیس اطّلاع داده‏ است که تخلیهء ایران همه‏جا بدرفتاری میکنند و اسباب زحمت اهالی‏ میشوند،بکلّی بدون نظم از صف مراجعت میکنند و مردم را بدادن‏ اغذیه مجبور میسازند.بایران بواسطه سربازان روسی خسارت زیادی‏ وارد آمده است.

نظر اجمالی باوضاع ایران

از مطالعهء جراید طهران راجع باوضاع دو ماههء آخری ایران یک‏ سلسلهء بدبختی از جلو چشم آدم میگذرد.از آنجمله است قحطی نان و کمیابی آذوقه تقریبا در تمام ملکت خصوصا در طرف غرب که در نتیجهء چپاول نظامیان عنان‏گسیختهء روس و بی‏پا بودن خود اهالی باندازهء بالا گرفته که در بعضی نقاط گندم خرواری بصد و هشتاد تومان و برنج بششصد تومان رسیده و فقرای اهالی از شدّت گرسنگی در معابر تلف میگردند. هر طرف مردم دسته‏دسته بتلگرافخانها ریخته از مرکز استمداد میکنند و فریاد گرسنها بآسمان بلند است.انبارداری و احتکار اتباع خارجه و مقاطعه‏چیهای نظامی روس نیز دامن‏زن این آتش خانمانسوز واقع شده‏ است.این است صورتی از نرخ گندم در پارهء نقاط:

کردستان‏\گندم خرواری‏\180 تومان

کردستان‏\برنج خرواری‏\600 تومان

ساوجبلاغ مکری‏\گندم خرواری‏\120 تومان

تبریز\گندم خرواری‏\الی 70 تومان

زنجان‏\گندم خرواری‏\55 تومان

همدان‏\گندم خرواری‏\40 تومان

همدان‏\نان لواش منی‏\9-13 قران

طهران‏\نان نرخ رسمی منی‏\404 قران

اوضاع خود طهران هم تقریبا بهتر از ولایات نبوده و همان منظرهء هولناک در معابر و خیابانهای مرکز مشاهده میشود و دولت مجبور بتهیّهء ده هزار خروار برنج شده که هر روز سی خروار آنرا در شش نقطهء طهران دم‏پخت نموده بفقرا و محتاجین میدهند.جمعی از وجوه تجّار واعیان درصدد تأسیس یک باب دار المساکین برآمده و مقداری پول بجهت‏ این کار جمع نموده‏اند.دامنهء غارتگری نظامیان روس هنوز امتداد داشته‏ و پس از غارت شهرهای ارومیّه و قزوین و همدان و غیره اخیرا در موقعی‏ که قسمتی از آنها از وان بر میشته‏اند در 20 ماه صفر 1336 بازار شهر خوی را غارت کرده‏اند.

بواسطهء پریشانی اوضاع و عدم کفایت عدّهء ادارهء قراسورانی که انگلیس‏ و روس باخدعه و نیرنگ میخواستند آنرا کاملا منحلّ نموده و عوض آن‏ «پلیس جنوب»را در جنوب و قزّاق روس را در شمال روی کار آوردند طرق و شوارع ناامن،راه آمد و شد قوافل مال التّجاره مسدود و تجارت‏ معطّل،آدم‏کشی و راهزنی شیوع کامل دارد،اداره قراسورانی که فعلا افرادش سه هزار نفر بیش نیست اتّصالا با راهزنان و دستجات دزد با وجود قلّت وسایط مشغول زد و خورده بود و اخیرا برحسب تصویب دولت‏ یاور لندنبرگ کفیل ادارهء قراسورانی درصدد تهیّهء دو فوج جدید قراسوران برای خراسان و مازندران میباشد.

هیئت وزرا در نتیجهء کشمکشهای داخلی که عموما از سرچشمهای‏ خارجی تراوش مینماید و عدم اتفّاق کلمه بین احزاب سیاسی و هتاکی‏ روزنامها از یک طرف و فشار متمادی خارجی از طرف دیگر گرفتار بحرانهای مدید پشت سر هم بوده.اواخر ذی الحجّهء 1335 که کابینهء علأ السّلطنه بواسطهء کناره‏گیری بعضی از وزرا حال تزلزل پیدا کرد و اواسط محرّم 1336 از قرار ذیل ترمیم یاقت:

علاء السّلطنه(پرنس میرزا محمّد علی خان)رئیس الوزرا و وزیر خارجه

مستوفی الممالک(میرزا حسن خان)وزیر مشاور

مشیر الدّوله(میرزا حسن خان)وزیر جنگ

مؤتمن المللک(میرزا حسین خان)وزیر تجارت و فواید عامّه

قوام السّلطنه(میرزا احمد خان)وزیر داخله